

درپچه

۲ اثر ایرانی در میان برترین‌های مستند آسیا ۲۰۲۰

● دو مستند «خاتمه» و «آشو» در فهرست ۱۵ اثر مستند برتر سینمای آسیا در سال ۲۰۲۰ قرار گرفتند. در سالی که سینمای مستند به دلیل شیوع ویروس کرونا و کاهش ساخت آثار بلند داستانی فرصت نمایش و درخششش بیشتری یافت، سینمای آسیا نیز از این جالش با ساخت چندین مستند فوق‌العاده استفاده کرد. سایت سینمایی «Asian Movie Plus» هم‌زمان با روزهای پایانی سال ۲۰۲۰ اقدام به معرفی ۱۵ مستند برتر قاره کهن در یک سال گذشته کرده و سینمای ایران نیز با دو فیلم «خاتمه» ساخته برادران زارعی و «آشو» اولین تجربه کارگردانی جعفر نجفی در این فهرست حضور دارند. مستند «خاتمه» که در این فهرست رتبه نخست را به خود اختصاص داده، روایتگر داستان زندگی دختری افغانستانی است که به دلیل ازدواج زودهنگام و خشونت از سوی خانواده، از خانه فرار می‌کند و خود را به اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی شیراز می‌رساند و از آنها درخواست کمک می‌کند؛ اما بعد از پیکیری‌های خانواد او، بردارش که کلاب نام دارد، با تهدیدکردن خاتمه‌که اگر به‌خانه برگردد او را به افغانستان می‌فرستد، مانع از طلاق‌گرفتنش می‌شود و… این مستند ۹۰دقیقه‌ای که به گفته سازندگانش ساخت آن چهار سال به طول انجامیده، در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت ایران موفق به دریافت سه جایزه بهترین تدوین، لوح تقدیر بهترین کارگردانی و کاندیدی بهترین فیلم شد و همچنین در اولین حضور جهانی خود در آکادمی جوایز فیلم فلورانس ایتالیا جایزه بهترین فیلم بلند این جشنواره را دریافت کرد و در جشنواره معتبر فیلم مستند جهان لایپزیگ آلمان نیز روی پرده رفته است. «آشو» نیز در فهرست ۱۵ مستند برتر آسیایی ۲۰۲۰ در رتبه دوازدهم جای گرفته است. این مستند که سال گذشته و در جشنواره مستند آمستردام (ایدفا) جایزه بهترین مستند بخش کودک و نوجوان را دریافت کرد، روایتگر زندگی چوپانی کودک به نام آشو است که در عین حال که سرگرم مراقب از گله است، سودای بازیگری و فیلم‌های هالیوودی را در سر دارد که پسرعمویش برایش آورده است. ساخته جعفر نجفی اخیرا نیز موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جشنواره بین‌المللی فیلم «آمین» در کشور فرانسه شد و از دیگر جوایز بین‌المللی این فیلم در سال جاری میلادی می‌توان به دیپلم افتخار از جشنواره بین‌المللی لایپزیگ آلمان و جشنواره بین‌المللی سواستایل اشاره کرد که شانزدهمین دوره آن در شهرپور در کشور روسیه برگزار شد. «آشو» همچنین به‌عنوان بهترین فیلم مستند کوتاه بیست‌وششمین دوره جشنواره لا لسنیایلی ایتالیا، بهترین فیلم کوتاه بیست‌وسومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان المپیا یونان، ششمین دوره جشنواره فیلم‌های مستند داکيومنتای کشور مکزیک و سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فرایبورگ کشور سوئیس انتخاب شده است.

مرور فیلم‌های ضداستعماری در شبکه نمایش

● به‌منظور گرامیداشت یاد و خاطره دلاوری‌های سردار دل‌ها، «سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی»، شبکه نمایش از ۱۳ دی‌ماه در بخش ژانر موضوعی منتخب خود، به پخش فیلم‌های ضداستعماری می‌پردازد. همچنین در بخش صحنه‌گران، فیلم‌هایی با نقش‌آفرینی داریوش ارجمند از این شبکه به روی آنتن می‌روند. فیلم و تله‌فیلم‌های ایرانی شبکه نمایش که مرتبط با شهادت سردار سلیمانی پخش می‌شوند، «خداحافظ رقیق»، «قهرمان» و «با چشمان بسته ببین» خواهند بود. همچنین از سه‌شنبه ۱۶ تا جمعه ۱۹ دی‌ماه فیلم‌های ژنرال، مسیر آسمان، نقش دل و دل‌وران کوچه دلگشا در ادامه پخش می‌شوند.

در بخش ژانر موضوعی منتخب هفتگی، این شبکه فیلم‌هایی با مضمون ضداستعمار را از شنبه تا جمعه پخش خواهد کرد که مخاطبان می‌توانند فیلم‌های پنجمین روز نبرد، حصار ضد خرگوش، شعله‌های آتش، شنود، بادی که در مرغزار وزید، هندوستان آزاد و غلاف تمام فلزی را به ترتیب در ساعت ۱۹ از این شبکه مشاهده کنند. در تریب دلاوری ارجمند با بازی در فیلم ناخدا خورشید ساخته ناصر تقوایی به سینما آمد و در سال ۱۳۶۵ با دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد از پنجمین جشنواره فیلم فجر، جای خود را به‌عنوان یک بازیگر خوب و قابل قبول ثبت کرد. این بازیگر از شنبه ۱۳ تا جمعه ۱۹ دی‌ماه در ساعت ۲۱ با فیلم‌های مسافر ری، حرف مردم، پرده آخر، ناخدا خورشید، راه آبی ابریشم، آدم‌برفی و کشتی آنجلیکا میهمان شبکه نمایش خواهد بود.

فیلم‌های جذاب شبکه نمایش در ساعت ۲۳ به ترتیب هشتاد، غرق‌شده در ساحل، مستحق، پدک‌کش شماره ۲۲، جاده‌ای به سوی تباهی، آخرین فرمانروا و دشت باز از شنبه تا جمعه پخش خواهند شد. در ساعت یک پامداد، فیلم‌های شبکه نمایش که از شنبه ۱۳ تا ۱۹ دی‌ماه روی آنتن می‌روند، به ترتیب عبارت‌اند از هفت سامورایی، یک پلیس، مجبور، بیگانه‌ای از ترن، خوشه‌های خشم، بازگشت یورسالیئو و نجات‌یافتگان.

مازیار معاونی؛ چه در مدیوم سینما که قدمتی چندده‌ساله بیشتر از تلویزیون دارد و چه در تاریخ شش، هفت‌دهه‌ای سریال‌سازی در مدیوم تلویزیون که از دهه ۶۰ میلادی اوج گرفته است، یک قاعده کلی و مقبول به‌عنوان فرمول پیش‌روی سازندگان آثار دربار مقوله دنباله‌سازی در پیش گرفته شده است؛ قاعده‌ای بر این مبنا که آثار دنباله‌دار (چه فیلم سینمایی و چه مجموعه تلویزیونی که در این مطلب مدنظر است) یا از ابتدا بر مبنای یک برنامه‌ریزی مفصل و مستمر به قصد چندفصلی و دنباله‌دار بودن ساخته می‌شوند و فصل‌های مختلف طبق جدول زمانی گروه تولید مراحل ضبط و پخش خود را طی می‌کنند یا بعدتر برای ساخت دنباله‌های‌شان تصمیم‌گیری می‌شود. در نوع اول، تصمیمات اساسی مبتنی‌بر تعداد فصول، تعداد قسمت‌های هر فصل و زمان آغاز و پایان پروژه از قبل به شکلی دقیق پیش‌بینی شده است و تغییرات احتمالی سریال که معمولا براساس بازتاب‌های مخاطبان آن لحاظ می‌شوند، مواردی مانند تغییرات روایی و حذف و کم‌رنگ‌شدن یا حتی پررنگ‌شدن بخش قابل‌کنترلی از روایت و کاراکترها در دربر می‌گیرد و هیچ تصمیمی به شکل آتی و خلق‌الساعه اتخاذ نمی‌شود. از نمونه‌های این نوع دنباله‌سازی می‌توان به آثاری نظیر «بازی تاج و تخت» یا «خانه پوشالی/ نسخه آمریکایی» اشاره کرد که بر مبنای یک برنامه‌ریزی دقیق چندساله و با درنظرگرفتن حداکثر جزئیات قابل پیش‌بینی به‌موقع مراحل تولید خود را طی کرده و در موعد مقرر در دستور پخش قرار گرفته‌اند.

نوع دوم که مجموعه‌سازان داخلی با برداشتی اشتباه، چنین روشی را در پیش گرفته‌اند، شقی از دنباله‌سازی را دربر می‌گیرد که به دنبال کسب موفقیت و محبوبیت یک مجموعه نمایشی، گروه سازنده آن تصمیم به ادامه‌دادنش گرفته و فصل یا فصلی در ادامه مجموعه موفق اول ساخته می‌شود که معمولا (و نه همیشه) به از دست‌رفتن همان محبوبیت ابتدایی کسب‌شده هم می‌انجامد؛ چراکه تیم سازنده کار و به‌ویژه نویسنده و کارگردان که در تصمیم‌سازی محتوایی و روایی اثر، زرنه‌هایی با اثرگذاری بیشتر در قیاس با دیگر اعضای تیم به حساب می‌آیند، از همان ابتدا بنا و اساس کار را بر یک فصل با تعداد قسمت‌های مشخصی گذاشته‌اند

و چون قصد و نیتی برای ادامه‌یافتن سریال نبوده، چفت‌وبست‌های دراماتیک کار به گونه‌ای شکل گرفته که تغییر بنیادین آنها به قصد افزودن وجوهی تازه در اکثریت موارد به شاکله داستان و بالطبع میزان محبوبیت و موفقیت آن آسیب‌های جدی وارد می‌کند. در سطح بین‌المللی سریال مهمی مانند «فرار از زندان» و در مقیاس داخلی مجموعه ارزشمند و خاطره‌انگیزی مانند «شهزاده» دقیقا مصداق همین شکل از دنباله‌سازی هستند که چون از روز اول شکل‌گیری با هدف به‌پایان‌رسیدن در یک فصل طراحی و تولید شده بودند، در فصل‌هایی که در ادامه محبوبیت سری اول، طراحی و ساخته شدند، به‌هیچ‌وجه آن موفقیت اولیه را تکرار نکرده و حتی یا واردکردن خطوط روایی فرعی و شخصیت‌های اضافی به کلیت داستانی اثر تا حدودی به خاطره دلنشین آن فصل موفق آغازین هم لطمه وارد کردند؛ اما مجموعه‌سازان تلویزیون خودمان در ظرف زمانی چندساله اخیر همین روش دوم البته به شکلی بسیار تأسف‌آورتر و غیر قابل دفاع‌تر آن را در پیش گرفته‌اند و اگر مدیریت‌ارشد این رسانه خیلی زود برای رفع این معضل چاره‌اندیشی نکند، در کوتاه‌مدت به جای

هنر



سریال‌های نمایشی که به‌بهانه دنباله‌سازی بی‌سرانجام مانده‌اند

بدعت‌های نادرست

چند سریال با انبوهی از مجموعه‌های بی‌سرانجام و معلق‌مانده روبه‌رو خواهیم شد که با وعده ساخت دنباله، بلاتکلیف روبه‌رو خواهیم شدند. مجموعه‌هایی که از یک‌سو آنچه به‌عنوان فصل اول آنها روی آنتن رفته، بدون ساختن تکمله‌های بعدی هویت و سرانجام مستقل و مفهومی ندارد و از سوی دیگر با وجود گذشت چند سال از پخش فصل اول، هیچ خبر و عزم و اراده‌ای برای تولید دنباله‌شان در کار نیست و معلوم نیست معلق و در راه تمام به نظاره‌اش نشسته بودند، چه زمانی ادامه پیدا خواهد کرد؟ بگذارید مصداقی صحبت کنیم. فصل دوم سریال دیدنی «هوش سیاه» ساخته مسعود آپرپور در سال ۹۲ یعنی هفت سال قبل به پایان رسید. فصل نخست این مجموعه را هم در بهار سال ۸۹ دیده بودیم. حالا پس از گذشت زمانی زیاد در حد هفت‌سالو خبرده‌ای و درحالی‌که ماجرای کشمکش‌های کاراکتر کامران (با بازی کیکاسو یاکیده) با تیم کارآگاهی پلیس به سرگردگی سرگرد احمدی (با نقش‌آفرینی حسین یاری) به خارج از مرزهای ایران رسیده و سال‌هاست مشتاقان این مجموعه در انتظار تماشای نتیجه آن شلیک سکانس پایانی نیروهای پلیس به قایق

نگاهی به فیلم «در خانه بودم، اما…»، ساخته آنگلا شانلِک

شهامت غیر حماسی یک زن



پناهگاه استواری می‌خواهد که ادامه زندگی‌اش را ممکن کند. اما شرایط اطراف آسترید و آدم‌های دیگر به‌گونه‌ای است که روابط انسانی نمی‌تواند جوابگوی نیاز او باشد. وقتی آسترید برای خرید دوچرخه سراغ پیرمردی می‌رود، گفت‌وگوی این دو در دست داده است، این موقعیت همگانی به‌خوبی دیده می‌شود. آسترید دوچرخه را می‌خرد و بعد از چند روز دوچرخه از کار می‌افتد و متوجه می‌شود که پیرمرد آگهی گمراه‌کننده‌ای برای فروش دوچرخه‌اش منتشر کرده است. وقتی آسترید برای پس‌دادن دوچرخه سراغ پیرمرد می‌رود، گفت‌وگوی این دو در موقعیت ناشناس صورت می‌گیرد. در اینجا مرد سالخوردۀ‌ای که با صدایی مکاینکی حرف‌های مقطع و کوتاهی را در دفاع از خود بیان می‌کند، باید نقش فروشنده‌ای خبیث و حیل‌گر را بازی کند (شانلک به‌رگزیند حنجره‌ای معیوب برای این شخصیت، کنایه غیردراماتیک خود را آماده می‌کند). اما پیرمرد در این وضعیت هرگونه برجسب از پیش آماده‌ای را از خود دور می‌کند. در واقع این‌ بخش از فیلم «در خانه بودم، اما…» نه آسترید را به‌عنوان یک زن بیوه ستم‌دیده معرفی می‌کند و نه پیرمرد فروشنده به‌عنوان یک ظالم دروغ‌گو. پس شرایط اجتماعی اطراف آسترید در شکل شناخته‌شده‌ای خود را نشان نمی‌دهد که آسترید را وارد تا تبر را سکوئلتیکف را به دست بگیرد و ماجرای «جنایت و مکافات» را به سرانجام برساند. تنگنای زیستن در همین وضعیت است که آسترید و شخصیت‌های دیگر فیلم را به شکلی بی‌روح و خالی از انرژی دفاع، به میزانسن‌های بدیع فیلم می‌آورد. در نتیجه فراخوانی دوباره سبک و سیاق برسون و اشاره به تغییر رویکرد ژانسنیستی او از «خاطرات کشیش دهکده» تا «موشت» با هدف به‌جانش کشیدن خود سینما و به‌طورکلی سوبیه‌های انتقادی هنر‌های دراماتیک است. اینجاست که ارجاعات شانلک به هملت و اشاره به روند ایجاد تردید در نگرش برسون، در یک خط موازی و انتقادی

خلافاًکاران ازجمله کامران هستند، شبکه سوم سیما اصلا وظیفه خودش نمی‌داند درباره چرایی نیمه‌کاره ماندن این مجموعه و تحقق‌نیافتن ساخت دنباله آن توضیحی ارائه دهند! «هوش سیاه» البته نمونه‌ای از سریال‌های خوب و خوش‌ساختی بود که نیمه‌کاره رها شده‌اند؛ وگرنه در کمال تأسف باید گفت در میان دنباله‌های معلق‌مانده، اکثریت با آثار متوسط و زیر حد متوسط است؛ آثاری که نیمه‌کاره ماندن‌شان بیشتر این شائبه را تقویت می‌کند که سازندگان اثر ناتوان از به‌اتمام‌رساندن آن به شیوه‌ای معقول و مقبول یا وعده ساخت دنباله سریال، به‌نوعی آن را از سر یاز کرده و روانه آرشپو تلویزیون کرده‌اند. مجموعه ضعیف «پدر» ساخته بهرنگ توفیقی بهترین مصداق از این‌گونه مجموعه‌هاست که پس از چرخش روایی بی‌منطق در قسمت پایانی مبنی‌بر زنده‌ماندن پسر جوان که اصلا و ابدا با عقل سلیم جور درمی‌آمد، با درج متنی مبنی بر پایان فصل اول، عملا سرنوته قصه را به قول معروف سر هم آورده و تا همین امروز که دوسال و نیم از پایان پخش فصل اول آن می‌گذرد، هیچ نشانه‌ای از تداوم آن دیده نمی‌شود، نه در شبکه دوم به‌عنوان شبکه سازنده و نه در کارگردانش که برای سریال‌سازی در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی فرصت سرخراندن هم ندارد. درست شبیه به همین اتفاق درباره مجموعه «نفس» ساخته جلیل سامان رخ داد که در تابستان ۹۶ و به دنبال فرار روزه‌به (علیرضا کمالی‌نژاد) از حلقه محاصره نیروهای امنیتی نیمه‌کاره و بی‌سرانجام رها شد که تا امروز هم ادامه داشته است و تلویزیون به جای فراهم‌کردن شرایطی برای ادامه ساخت آن، سازنده‌اش را در شبکه‌ای دیگر درگیر یک مجموعه دنباله‌دار دیگر به نام «پِر خاکی» کرده است. جدیدترین دست‌پخت سیما در این زمینه سریال تازه به‌اتمام‌رسیده «خانه امن» است که پس از پایانی شاب‌زده و بر از فقرات دراماتیک و درحالی‌که به دلیل تا سقف ۵۰ قسمت کشا داده شده بود، با درج سده و بی‌درسر «پایان فصل اول» بدون احترام به مخاطبانی که دو ماه تمام به نظاره‌اش نشسته بودند، به کار خود خاتمه داد و هیچ توضیحی هم از هیچ منبع موثقی ارائه نشد که فصل دوم مجموعه در چه زمانی ساخته و در چه زمانی پخش خواهد شد؟! ای کاش دست‌اندرکاران ارشد در حوزه سریال‌سازی تلویزیون به فکر اتخاذ تدابیری جدی و اساسی برای رفع این معضل جدید باشند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

کارگاه‌های جشنواره نمایش عروسکی تهران–مبارک در فضای مجازی برگزار می‌شود

● به گزارش ستاد خبری هجدهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران– مبارک، با برگزاری کارگاه «بیان تصویری عروسک در قاب»، کارگاه‌های هجدهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران– مبارک آغاز به کار می‌کنند. تمام کارگاه‌های این دوره از جشنواره به منظور رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی در فضای مجازی و به صورت غیرحضوری برگزار می‌شوند. عنوان اولین کارگاه جشنواره اسمال «بیان تصویری عروسک در قاب» است که در مدت دو روز هجدهم و بیست‌وپنجم دی با حضور امیر سلطان‌احمدی، میزبان متقاضیان می‌شود. سلطان‌احمدی، کارگردان و مدرس تئاتر، درباره کارگاه خود توضیح داد: انگیزه برگزاری این کارگاه این است که بتوانیم با شرایط فعلی به یک سازگاری برسیم. به این معنا که بتوانیم هم صنف‌های خود را تشویق کنیم که به شرایط جدید هم به شکل مثبتی بنگریم و از آن به‌عنوان یک فرصت بهره ببریم و به گسترش توانایی‌های خود بپردازیم. این جزئیات تئاتر با اشاره به شرایط فعلی و محدودیت‌هایی که برای اجرای صحنه‌ای آثار نمایشی در دوران کرونا وجود دارد، ادامه داد: هدف ما در این کارگاه، گسترش توانایی‌های خویش برای فعالیت در مدیوم‌های دیگر است. نگاه ما این است که وقتی شرایط برای اجرای صحنه‌ای نمایش‌ها مساعد نیست، درست روی دست نگذاریم؛ بلکه به فکر تولید نمایش در فضاهای دیگر باشیم که طبیعتا قواعد کار در آنها متفاوت است. این کارگاه به ما کمک می‌کند وقتی به‌عنوان کارگردان با باری‌دهنده عروسک، در دیگر مدیوم‌ها مشغول فعالیت می‌شویم، چگونه قواعد آنها را به کار بگیریم؛ چراکه اجرای نمایش عروسکی و جان‌بخشی به عروسک در قاب تصور با آنچه روی صحنه تئاتر رخ می‌دهد، تفاوت دارد و نیازمند آموزش است.

امیر سلطان‌احمدی، کارگردان و بازیگر تئاتر و تئاتر عروسکی، صدایشه و بازی‌دهنده عروسک، کارگردان مجموعه‌های تلویزیونی «سوغات جنگل»، «دس دسی صداش میاد» و … بازی در نمایش‌های «بهمن کوچیک» و «رومنو و ژولیو با چرا تو کتلت روگشتی» ازجمله فعالیت‌های او در تئاتر در سال‌های اخیر است. او ترانه‌سرا و عضو گروه ایده‌پردازی عروسک «جناب خان» در برنامه تلویزیونی «خندوانه» نیز بوده است. صدایشگی در مجموعه تلویزیونی «کلافه‌فرمز» از دیگر فعالیت هنری او به شمار می‌آید. کارگاه «بیان تصویری عروسک در قاب» روزهای ۱۸ و ۲۵ دی برگزار می‌شود.

رایزنی‌های مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی درباره جشنواره‌های تئاتری

● رضا بصیرت، مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی، در دو نشست مستقل با محسن حدادی، مدیر کل تبلیغات و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سیدمجتبی تقوی‌زاده، معاون اجتماعی و فرهنگی شرکت متروی تهران، دیدار کرد و درباره بهره‌گیری از امکانات این دو نهاد در موضوع برگزاری رویدادهای تئاتری سال جاری گفت‌وگو کرد. به گزارش روابط‌عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، رضا بصیرت، مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی، در دیدار با معاون اجتماعی و فرهنگی شرکت متروی تهران گفت: متروی تهران روزانه بیش از ۹۰۰ هزار نفر از شهروندان را در سطح شهر جابه‌جا می‌کند و از قابلیت و امکانات خوبی برای ترویج فرهنگ و هنر برخوردار است. می‌توانیم از آنها برای فرهنگ‌سازی در حوزه هنرهای نمایشی بهره‌برداری کنیم. او افزود: امیدواریم با تعاملی که با امور فرهنگی و اجتماعی شرکت متروی تهران انجام شده، بتوانیم شاهد استفاده درست از ظرفیت‌های این مجموعه برای تبلیغات در فضای داخلی ایستگاه‌ها و فضای داخلی قطارهای شهری برای اکران اعلان‌ها، تیزر و آتونشن‌های تبلیغاتی تئاتر در طول سال، به‌ویژه ایام برگزاری جشنواره تئاتر فجر و عروسکی باشیم.

مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی گفت: فضای پلازای متروی میدان ولیعصر با توجه به نزدیکی به شریان اصلی تاتر کشور از قابلیت و امکانات خوبی برای بهره‌برداری به نفع تئاتر برخوردار است. امیدوارم به‌زودی شرایط برگزاری نمایش‌های خیابانی در این مکان به‌ویژه در ایام فراگیری بیماری کرونا فراهم شود. بصیرت همچنین درباره اهمیت گالری‌های مترو به‌ویژه ایستگاه تئاتر شهر گفت: با تعاملی که با شرکت متروی تهران انجام شده، امیدوارم به‌زودی شاهد برپایی نمایشگاه عکس‌ها و پوسترهای تئاتر در گالری‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر باشیم. مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی همچنین در دیدار با محسن حدادی، مدیر کل تبلیغات و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بر ضرورت بهره‌گیری وزارتخانه متبوع از فرصت تبلیغاتی جشنواره‌های سال جاری تأکید کرد و همراهی حدادی را در راستای تعامل با ارگان‌های دولتی دیگر خواستار شد. با توجه به نزدیکی زمان برگزاری دو جشنواره تئاتر فجر و جشنواره تئاتر عروسکی، رضا بصیرت، مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی، قصد دارد در دیدار با مدیران دیگر نهادهای دولتی و خصوصی زمینه‌ای را برای تعامل این نهاده‌ا با رویدادهای تئاتری کشور فراهم کند.